



## The right of the Lawyer and the Accused to Access the Contents of the Case and Its Executive Guarantee in the Laws of Iran and England

Daoud Sedaghatniya<sup>1</sup>, Ghasem Ghasemi<sup>2\*</sup>, Nasrin Mehra<sup>3</sup>, Nowruz Kargari<sup>4</sup>

1. PhD Student in Criminal law and Criminology, Department of Criminal Law and Criminology, School of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

4. Department of Criminal Law and Criminology, School of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Article Type:** Original Research

**Pages:** 111-128

**Article history:**

**Received:** 1 Aug 2023

**Edition:** 12 Oct 2023

**Accepted:** 6 Des 2023

**Published online:** 8 Apr 2024

### Keywords:

lawyer, defendant, access to a case, fair trial, execution guarantee.

### Corresponding Author:

Ghasem Ghasemi

### Address:

Iran, Tehran, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Department of Criminal Law and Criminology.

### Orchid Code:

**Tel:**

**Email:**

### ABSTRACT

**Background and Aims:** The right of the lawyer and the defendant to access the contents of the case and its executive guarantee is one of the important issues that has not been addressed much. The purpose of this article is to examine the right of the lawyer and the defendant to access the contents of the case and its executive guarantee in the laws of Iran and England in the light of fair proceedings.

**Materials and Methods:** The research method is descriptive and analytical and this research is theoretical. The method that has been used to collect information is library-based and it has been done by referring to international and domestic books, articles and documents.

**Ethical Considerations:** In this article, the originality of the text, honesty and trustworthiness are observed.

**Findings:** Adherence to a fair trial requires the access of the lawyer and the accused to the contents of the case at the preliminary investigation stage. In English law, the right of the accused and his lawyer to access the contents of the case and even beyond that, the lawyer's intervention in the case is accepted in the preliminary investigation. In order to realize this right, the legislator has provided a strong enforcement guarantee.

**Conclusion:** Failure to comply with the right to access the contents of the case in English law may lead to the invalidity of the entire preliminary investigation or even the release of the accused by the court. It is necessary to remove the restrictions on the right of access of the lawyer and the accused to the case in the criminal procedure law of Iran and to establish a strong guarantee for its implementation.

### Cite this article as:

Sedaghatniya D, Ghasemi GH, Mehra N, Kargari N. The right of the Lawyer and the Accused to Access the Contents of the Case and Its Executive Guarantee in the Laws of Iran and England. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



دوره ششم، شماره ۵، سال ۱۴۰۳

### حق وکیل و متهم در دسترسی به محتویات پرونده و ضمانت اجرایی آن در حقوق ایران و انگلستان

داود صداقت‌نیا<sup>۱</sup>، قاسم قاسمی<sup>۲\*</sup>، نسرين مهرا<sup>۳</sup>، نوروز کارگری<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۴. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** حق وکیل و متهم در دسترسی به محتویات پرونده و ضمانت اجرایی آن از موضوعات مهمی است که کمتر به آن پرداخته شده است. هدف مقاله حاضر بررسی حق وکیل و متهم در دسترسی به محتویات پرونده و ضمانت اجرایی آن در حقوق ایران و انگلستان در پرتو دادرسی عادلانه است.

**مواد و روش‌ها:** روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی بوده و این تحقیق از نوع نظری می‌باشد. روشی که برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است بصورت کتاب-خانه‌ای است و با مراجعه به کتب، مقالات و اسناد بین‌المللی و داخلی صورت گرفته است.

**ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** رعایت دادرسی عادلانه مستلزم دسترسی وکیل و متهم به محتویات پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی است. در حقوق انگلستان، حق دسترسی متهم و وکیل وی به محتویات پرونده و حتی فراتر از آن، مداخله وکیل در پرونده در تحقیقات مقدماتی پذیرفته شده است. قانون‌گذار برای تحقق این حق ضمانت اجرای قوی پیش‌بینی کرده است. در قانون آئین دادرسی کیفری ایران نیز این حق پذیرفته شده است؛ ولی با محدودیت‌هایی مواجه است. ضمن اینکه فاقد ضمانت اجرایی است.

**نتیجه:** عدم رعایت حق دسترسی به محتویات پرونده در حقوق انگلستان ممکن است به بی‌اعتباری کل تحقیقات مقدماتی و یا حتی آزادی متهم از سوی دادگاه منجر شود. لازم است در قانون آئین دادرسی کیفری ایران، برای این حق ضمانت اجرای قوی تعیین شود. ضمن اینکه محدودیت‌های حق دسترسی وکیل و متهم به پرونده رفع شود.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱۱-۱۲۸

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

#### واژگان کلیدی:

وکیل، متهم، دادرسی عادلانه، محتویات پرونده، ضمانت اجرا.

#### نویسنده مسئول:

قاسم قاسمی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی.

کد ارکید:

تلفن:

پست الکترونیک:

## ۱. مقدمه

کرمانی‌نژاد، زینب بوستانی فرشتمی و یاسر شکری‌پور (۱۳۹۴) نیز در مقاله‌ای، روند حق دسترسی به اوراق پرونده در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ را مورد بررسی قرار داده‌اند. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده این است که هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که حق وکیل و متهم در دسترسی به محتویات پرونده و ضمانت اجرایی آن در حقوق ایران و انگلستان در پرتو دادرسی عادلانه چگونه است؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا، دادرسی عادلانه و ارتباط آن با حق دسترسی به محتویات پرونده بررسی شده، سپس از حق وکیل و متهم به پرونده و ضمانت اجرای آن در حقوق ایران بحث شده و در ادامه به بررسی حق وکیل و متهم به پرونده و ضمانت اجرای آن در حقوق انگلستان پرداخته شده است.

## ۲. مواد و روش‌ها

روش تحقیق به‌صورت توصیفی تحلیلی و این تحقیق از نوع نظری است. روشی که برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است به‌صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به کتب، مقالات و اسناد بین‌المللی و داخلی صورت گرفته است.

## ۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متن، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

## ۴. یافته‌ها

نظام‌های دادرسی اتهامی، تفتیشی و مختلط سه نظام بزرگ دادرسی هستند که تقریباً بر صد درصد سیستم‌های حقوقی کشورها سایه افکنده‌اند و کشورها بنا به اقتضائاتی یکی از آن‌ها را برگزیده‌اند. آنچه در اینجا جالب به نظر می‌رسد این است که کشورهایی که دارای یک نظام یکسان در دادرسی کیفری می‌باشند، دارای مقرراتی مشابه و یکسان بوده و تفاوت‌های چندانی بین آن‌ها وجود ندارد به‌عنوان مثال انگلیس و آمریکا به‌عنوان پذیرندگان نظام دادرسی اتهامی شباهت‌های زیادی از جمله در قواعد مربوط به حضور و دخالت وکیل در تحقیقات پلیسی را دارند و یا ایران و فرانسه به‌عنوان کشورهایی که دارای نظام مختلط هستند دارای شباهت‌هایی در دادرسی کیفری می‌باشند اگرچه فرانسه به‌عنوان خاستگاه نظام مختلط با نگاه بشردوستانه به حقوق دفاعی متهم خود را بیشتر از سایر کشورهای دارای نظام مختلط از جمله ایران با اسناد بین‌المللی هماهنگ کرده است. از بین کشورها، ایران و انگلیس به‌عنوان شاهدانی از هر کدام از نظام‌های مختلط و اتهامی دارای دو رویکرد متفاوت نسبت به موضوع دسترسی متهم و وکیل وی به محتویات پرونده در طول تحقیقات پلیسی و مقدماتی هستند که تطبیق آن‌ها از آن جهت جالب به نظر می‌رسد که انگلستان دارای نظام اتهامی و ایران دارای نظام مختلط در دادرسی کیفری است. در خصوص دسترسی به محتویات پرونده پژوهش‌های محدودی انجام شده است. سیدرضا احسان‌پور و فرامرز قلی‌پور جمنانی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به بررسی موانع، چالش‌ها و محدودیت‌های حق دسترسی به پرونده‌های قضایی پرداخته‌اند. مجتبی محمدی‌زاده

اینکه افراد به‌صورت غیر قانونی و ناعادلانه مجازات نمی‌شود.

برای اینکه یک دادرسی، عادلانه باشد باید آن دادرسی مقید به یک سری شرایط و اوضاع و احوال باشد تا عنوان عادلانه بر آن صدق کند. از جمله لوازم یک دادرسی عادلانه به شرح زیر است: الف) علنی بودن محاکمه متهم چه وی متهم به یک جرم سبک باشد و چه جرم سنگینی به وی نسبت داده شده باشد. ب) آگاه شدن فرد از اتهامی که به وی نسبت داده شده است و دلایل اتهام. ج) حق آگاه شدن فرد متهم از حقوقی که دارا می‌باشد نظیر، حق سکوت، حق داشتن وکیل و... د) داشتن وکیل و دخالت او در کلیه مراحل دادرسی خصوصاً تحقیقات. ه) حاکم بودن اصل برائت بر کلیه فرآیند محاکم و عدم عدول از آن. و). بدیهی است که هر کدام از موارد فوق برای آنکه به‌عنوان یکی از شرایط دادرسی عادلانه محسوب شوند هر کدام دارای توجیهات و استدلال‌های مربوط به خود می‌باشند به‌عنوان مثال در خصوص همراهی وکیل با متهم و دخالت وی در کلیه مراحل دادرسی باید گفت که دادرسی زمانی عادلانه است که متهم وقتی در برابر مقام بازجو قرار می‌گیرد از همان ابتدا خود را شکست خورد نپندارد. دادرسی عادلانه باید دارای شرطی تحت عنوان وکالت از متهم و وجود شخصی به نام وکیل به همراه متهم باشد بنابراین رعایت اصل دادرسی عادلانه ایجاب می‌کند که متهم از همراهی یک نفر مشاور برخوردار گردد ذکر این نکته ضروری است که حضور وکیل و دسترسی وی به محتویات پرونده در تحقیقات مقدماتی باعث تسریع در دادرسی هم می‌شود و تسریع در دادرسی یعنی اینکه افراد مدت زمان کمتری درگیر «محیط

رعایت دادرسی عادلانه مستلزم دسترسی وکیل و متهم به محتویات پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌باشد. در حقوق انگلستان، حق دسترسی متهم و وکیل وی به محتویات پرونده و حتی فراتر از آن، مداخله وکیل در پرونده در تحقیقات مقدماتی پذیرفته شده است. قانون‌گذار برای تحقق این حق ضمانت اجرای قوی پیش‌بینی کرده است؛ به‌نحوی که عدم رعایت این حق ممکن است به بی‌اعتباری کل تحقیقات مقدماتی از سوی دادگاه منجر شود. در قانون آئین دادرسی کیفری ایران نیز این حق پذیرفته شده ولی با محدودیت‌هایی مواجه است. ضمن اینکه فاقد ضمانت اجرایی است.

## ۵. بحث

در این قسمت ابتدا مفهوم دادرسی عادلانه و ارتباط آن با حق دسترسی به پرونده بررسی می‌شود، سپس حق دسترسی به پرونده و ضمانت اجرای آن در حقوق ایران و در ادامه در حقوق انگلستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۵-۱. دادرسی عادلانه و حق دسترسی به محتویات پرونده

#### ۵-۱-۱. دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه مشتمل بر مجموعه اصول و قواعدی است که نحوه رفتار با یک فرد را در برابر مقامات قضایی در مراحل مختلف آن مشخص می‌کند. وقتی که فردی توسط حکومت متهم به ارتکاب جرمی می‌شود و وی در معرض خطر محرومیت از آزادی و دیگر تحریمات قرار می‌گیرد، حق دادرسی عادلانه تضمین اساسی است در جهت اطمینان بخشیدن به

دارد. اگر متهمی به طرز عادلانه‌ای محکوم نگردد، آنچه بیش از همه او را محکوم می‌نماید خود محکوم است. وقتی فردی توسط حکومت متهم به ارتکاب جرمی می‌شود، در معرض خطر محرومیت از آزادی و دیگر تحریمات قرار می‌گیرد که در این صورت حق دادرسی عادلانه تضمینی اساسی است در جهت اطمینان بخشیدن به اینکه متهم به صورت غیرقانونی و ناعادلانه محاکمه و مجازات نگردد. حق برخورداری از دادرسی عادلانه به‌عنوان یک هنجار بین‌المللی حقوق بشر برای حمایت از افراد در برابر محروم کردن یا محدود کردن غیر قانونی و خودسرانه افراد از آزادی و حقوق اساسی ایشان که حق حیات و آزادی از برجسته‌ترین آن‌ها است، شناخته می‌شود» (ساقیان، ۱۳۹۳، ۱۰۷). تساوی اشخاص در برابر قانون، قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، محاکمه علنی و منصفانه در دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف، حق دفاع توسط متهم و یا وکیل مدافع، حاکمیت اصل براءت، تفهیم اتهام، حق اطلاع از دستگیری، منع اجبار به اقرار از مهم‌ترین اصول و قواعد دادرسی عادلانه می‌باشد. علاوه بر این، یکی از مهم‌ترین بنیادی‌ترین اصول حاکم بر دادرسی منصفانه حق دسترسی است که این حق در قوانین نظام‌های دادرسی مترقی گنجانیده و بدون هیچ‌گونه محدودیتی، در تمامی مراحل فرآیند رسیدگی به پرونده اعمال می‌گردد. در مبحث بعدی ارتباط دادرسی عادلانه و حق دسترسی به محتویات پرونده بررسی می‌شود (احسان‌پور و همکاران، ۱۳۹۸، ۴).

## ۵-۱-۲. ارتباط دادرسی عادلانه و حق دسترسی به محتویات پرونده

کیفری» می‌شود و این امر خود از لحاظ جرم شناختی آثار مهمی را به دنبال دارد.

عدالت اصولاً جنبه‌های مختلف فلسفی، اخلاقی و حقوقی دارد. اما آنچه مسلم است، ارزیابی میزان تحقق عدالت در فرآیندهای مربوط به اداره امور اجتماعی، مستلزم ملاک‌ها و معیارهای معینی است. فرآیند دادرسی نیز، برای آنکه عادلانه تلقی شود، باید وصف عینی به خود بگیرد. البته این مهم تنها با اقدامات قضایی قابل دستیابی نیست، بلکه برخی شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره برای حمایت قضائی جهت نیل به محاکمه‌ای معین و منصفانه لازم است. گروه‌ها و جوامع گوناگون بشری ممکن است درباره معین و منصفانه بودن دادرسی دیدگاه‌ها و نظریه‌های متفاوتی داشته باشند. لیکن به‌رغم این تفاوت‌ها برخی نظریه‌های روشن درباره معین و منصفانه بودن دادرسی به نوعی همگرایی و توافق عمومی نسبت به معیار قضایی برای محاکمه معین و منصفانه حاصل گردیده است. دادرسی عادلانه یکی از حقوق بنیادین بشری محسوب شده که در اکثر اسناد بین‌المللی نیز بدان اشاره شده است. تعریف جامعی از دادرسی عادلانه به صورت آکادمیک وجود ندارد؛ ولی می‌توان این‌گونه تعریف کرد که: «دادرسی عادلانه عبارت است از رسیدگی به دعاوی در یک مرجع قانونی، بی‌طرف، مستقل و با رعایت کلیه حقوق طرفین» (میرزاجانی، ۱۳۹۳، ۹۸).

«دادرسی عادلانه یکی از معروف‌ترین، محبوب‌ترین و مهم‌ترین حقوق انسان‌ها در فرآیند دادرسی است، که در جریان تحول تمدن حقوقی بشر پدید آمده است. دادرسی عادلانه دارای مفهومی حقوقی است که در مباحث حقوق بشری موقعیت برجسته‌ای

می‌تواند سری و محرمانه باشد درعین حال لوازم دادرسی عادلانه نیز رعایت گردد بدون اینکه منافاتی بین این دو وجود داشته باشد. زیرا این دو در هیچ موردی اختلاف ندارند.

۲) سری و محرمانه بودن تحقیقات ناظر بر افرادی غیر از کسانی می‌شود که در امر جزایی دخیل هستند یعنی متهم و شاکی و وکلای آن‌ها. به عبارتی یکی از لوازم دادرسی عادلانه حضور و دخالت وکیل در امر تحقیقات است و از طرفی سری بودن و محرمانه بودن تحقیقات مانع از حضور افرادی است که در امر جزایی دخیل نیستند و وکلا در امر جزایی دخیل هستند؛ لذا هیچ منافاتی بین این دو وجود ندارد (رستمی و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۵۱).

۳) به نظر می‌رسد بدون در نظر گرفتن تاریخچه سری و محرمانه بودن تحقیقات، فلسفه کنونی این ویژگی‌ها این باشد که اگر تحقیقات منجر به بی‌گناهی فرد شد، سری و محرمانه بودن تحقیقات به نوعی به نفع متهم باشد چراکه بدون اینکه کسی از اتهام وارده به شخص آگاهی یابد، وی برائت حاصل نموده است از طرفی دادرسی عادلانه هدفی جز برائت سریع افراد ندارد و به نوعی به عنوان نوعی کاتالیزور عمل کرده و با تسریع در دادرسی، بی‌گناهی و احیاناً گناهکاری فرد زودتر حاصل می‌شود با این توضیح که از لوازم دادرسی عادلانه حضور وکیل بوده و حضور وکیل هم به نوعی تسریع‌کننده در روند اثبات بی‌گناهی و یا حتی گناهکاری فرد می‌باشد (کرباس‌فروش و همکاران، ۱۳۹۸، ۴۳۲).

(۴)

تحقیقات مقدماتی چه در نظام تفتیشی و به دنبال آن در نظام مختلط دارای ویژگی‌هایی است از جمله سری و محرمانه بودن تحقیقات. اگرچه هرچه که بیشتر بر عمر این نظام‌ها افزوده می‌شود، از درجه شدت آن ویژگی‌ها کاسته می‌شود و ویژگی‌ها نظام اتهامی بر آن‌ها حاکم می‌شود از جمله علنی بودن و ترافی بودن دادرسی و این بدان علت است که ویژگی‌هایی چون سری و محرمانه بودن تحقیقات، بیم نقض حقوق و آزادی‌های فردی را به دنبال داشته و این هم نتیجه‌ای را به دنبال ندارد جز نادیده گرفتن دادرسی عادلانه که خود منتج می‌شود به عدم اجرای عدالت که در نهایت بی‌اعتمادی افراد نسبت به دستگاه قضایی را به دنبال خواهد شد چراکه وقتی می‌بینند که بدیهی‌ترین قواعد دادرسی عادلانه در آن رعایت نمی‌شود دیگر امیدی به فصل خصومت ندارند. بنابراین شاید بتوان ادعا کرد که توجه هرچه بیشتر به دادرسی عادلانه، باعث کم‌رنگ شدن ویژگی سری و محرمانه بودن تحقیقات شده و اگر بخواهیم بحث را موشکافانه‌تر ادامه دهیم باید به این سؤال پاسخ داده شود که آیا اصولاً سری و محرمانه بودن تحقیقات منافاتی با دادرسی عادلانه دارد یا خیر؟

در پاسخ باید گفت که اگرچه برخی (سلیمانی میمندی و همکاران، ۱۳۹۹، ۳۶)، عقیده بر این دارند که بین این دو هیچ منافاتی وجود ندارد و به نحوی قابل جمع هستند؛ ولی توجیه و استدلالی ارائه نشده است لذا در مقام تکمیل نظریات حقوق دانان، استدلال‌هایی زیر ارائه می‌گردد.

۱) سری و محرمانه بودن از ویژگی‌ها تحقیقات مقدماتی است؛ ولی دادرسی عادلانه از حقوق اطراف دعوی یعنی شاکی و متهم است یعنی اینکه تحقیقات

اطلاعات لازم را تحصیل نمایند و با اطلاع رئیس دادگاه، به هزینه خود از اوراق مورد نیاز، تصویر تهیه کنند». با وجود این، وفق تبصره ذیل این ماده؛ «دادن تصویر از اسناد طبقه‌بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی ممنوع است». برابر ماده ۱۹۱ این قانون «چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد، یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت، منافی بداند، یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد، با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آن‌ها را صادر می‌کند. این قرار حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده، به اعتراض رسیدگی کند و تصمیم‌گیری کند». ملاحظه می‌گردد که قانون‌گذار بدون هیچ‌گونه محدودیتی، اخذ رونوشت و یا روگرفت از اوراق و مندرجات پرونده را پذیرفته است؛ لیکن در ادامه با وضع تبصره که به موجب آن مقرر گشته است دادن تصویر از اسناد طبقه‌بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی ممنوع است، سه دسته از اسناد و اوراق را از شمول حکم مندرج در ماده مستثنی نموده است (محمدی‌زاده کرمانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۴، ۵).

با توجه به ماده ۳۵۱ قانون آئین دادرسی کیفری مذکور، متهم علی‌الاصول حق دسترسی و مطالعه اوراق پرونده کیفری را دارد، لیکن چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده، اسناد یا مدارک موجود در پرونده کیفری را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند یا موضوع پرونده، از جرائم

(۵) از طرفی شاید دور از حقیقت نباشد که سری و محرمانه بودن تحقیقات را از لوازم و شرایط دادرسی عادلانه دانست؛ زیرا هدف از دادرسی عادلانه، برقراری شرایط و امکانات یکسان برای شاکی و متهم در طول جریان دادرسی جهت نیل به کشف حقیقت و در نهایت اجرای عدالت است و سری بودن تحقیقات یعنی این که بدون این که اذهان عمومی علیه شاکی و علیه متهم قرار گیرد در شرایطی کاملاً برابر، دادرسی انجام شود (سلیمانی میمندی و همکاران، ۱۳۹۹، ۳۷).

بنابر مراتب فوق باید گفت که بین حضور وکیل به‌عنوان یکی از لوازم اصل دادرسی عادلانه و سری و محرمانه بودن تحقیقات هیچ تضادی وجود ندارد، و به همین دلیل است که در اکثر کشورهای که دارای مرحله تحقیقات می‌باشند و تحقیقات از ویژگی سری و محرمانه بودن بهره‌مند است کلیه لوازم دادرسی عادلانه از جمله حضور وکیل در مرحله تحقیقات پذیرفته شده است و این پذیرش نه تنها به صورت حضور و همراهی وکیل است بلکه وکیل می‌تواند در تحقیقات دخالت کند و این دخالت تضادی با ویژگی‌ها تحقیقات نداشته باشد.

**۵-۲. حق وکیل و متهم در دسترسی به محتویات پرونده و ضمانت اجرایی آن در حقوق**

**ایران**

**۵-۲-۱. حق وکیل و متهم در دسترسی به محتویات پرونده**

طبق ماده ۳۵۱ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، «شاکی یا مدعی خصوصی و متهم یا وکلای آنان می‌توانند با مراجعه به دادگاه و مطالعه پرونده،

علیه امنیت داخلی و خارجی کشور باشد، با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به اوراق پرونده را صادر نماید.

بنابراین به‌جز در مواردی که موضوع مربوط به امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد و یا دسترسی به اوراق پرونده منافعی با کشف حقیقت باشد، آن‌هم در مواردی که بازپرس، با ذکر دلیل موجه، قرار عدم دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده کیفری را صادر نماید، متهم و یا وکیل وی، حق مطالعه پرونده و دسترسی به اوراق پرونده کیفری را خواهند داشت.

حق دسترسی متهم و وکیل او به‌صراحت در ماده ۱۹۱ اعلام نشده است؛ ولی با توجه به اینکه در این ماده قرار عدم دسترسی به پرونده توسط متهم و وکیل او قابل اعتراض شناخته شده است پس معلوم می‌شود که متهم و وکیل او از حق دسترسی به پرونده برخوردارند که بازپرس می‌تواند با صدور یک قرار آن را ممنوع نماید.

«حق دسترسی متهم و وکیل او در ماده ۱۹۱ قانون آئین دادرسی کیفری به‌صراحت بیان نشده ولی با توجه به اینکه در این ماده قرار عدم دسترسی توسط متهم و وکیل او قابل اعتراض شناخته شده؛ پس به دلالت التزامی معلوم می‌شود که متهم و وکیل او از حق دسترسی به پرونده برخوردارند که بازپرس می‌تواند با صدور یک قرار آن را ممنوع کند و حق متهم و وکیل او مطالعه و دسترسی به اوراق اسناد و مدارک پرونده است اصولاً مطالعه اوراق پرونده مستلزم دسترسی به آن‌هاست؛ ولی با تفکیک صورت گرفته در قسمت اول متن ماده که طبق آن بازپرس می‌تواند یا مطالعه آن اوراق یا دسترسی به آن را ممنوع سازد معلوم می‌شود که دسترسی یعنی در

اختیار داشتن بنابراین مانعی ندارد که متهم یا وکیل او بتواند و هزینه خود از اوراق پرونده کپی بگیرد و رونوشت داشته باشد» (ساقیان، ۱۳۹۳، ۱۰۷).

در خصوص حق وکیل و متهم در دسترسی به محتویات پرونده چند نکته مهم است:

۱) «در سه مورد متهم و وکیل او را از مطالعه و دسترسی به پرونده ممنوع سازد؛ طبق تبصره ۳ ماده ۱۹۰ قانون آئین دادرسی کیفری در جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و سایر پرونده‌ها چنانچه مطالعه یا در رسیدگی به پرونده منافی با ضرورت کشف حقیقت باشد در این موارد ممنوعیت دسترسی به پرونده منافاتی با ضرورت کشف حقیقت باشد در این موارد ممنوعیت دسترسی به پرونده باید با صدور قرار موجه و مستدل از سوی بازپرس صورت گیرد ضمن اینکه در دو مورد اول هیچ قیدی نداشته و بازپرس و فقط مکلف به استدلال در جهت منافی کشف کردن جرم یا برضد امنیت داخلی یا خارجی بودن آن است. بدیهی است که دفاع از متهم بدون دسترسی به پرونده امری دشوار و ضربه‌ای بزرگ به حق دفاع محسوب می‌شود در صورت صدور قرار عدم دسترسی به پرونده این ممنوعیت فقط تا پایان مرحله تحقیقات مقدماتی خواهد بود و با ارسال پرونده به دادگاه این امر مرتفع می‌شود» (خالقی، ۱۳۹۳، ۱۵۶).

۲) طبق نظر برخی از حقوق دانان (خالقی، ۱۳۹۳، ۳۸۰)؛ در مورد ماده ۱۹۱ قانون آئین دادرسی کیفری قرار عدم دسترسی به پرونده تصمیمی است که به‌موجب آن دسترسی متهم به تمام یا بعضی از اوراق پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی اعلام می‌شود که

به‌عنوان تصمیم محدودکننده برای متهم اوراق پرونده است.

در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصل بر آن دانسته شده است که متهم حق دارد تمام یا بعضی از مدارک پرونده را در مرحله تحقیقات مقدماتی ملاحظه کند و حق دسترسی به آن‌ها را برای او آزاد دانسته و اگر بازپرس بخواهد این حق را از او سلب کند که باید قرار عدم دسترسی صادر کند و متهم نیز می‌تواند به این تصمیم بازپرس اعتراض - کند اصل غیر توافقی بودن تحقیقات مقدماتی یکی از اصول آئین دادرسی کیفری ایران مطرح شده و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. اما مقررات مواد ۱۰۰، ۱۹۱، ۱۹۰، قانون آئین دادرسی کیفری جدید حرکت قانون‌گذار ایران را به سمت تساوی سلاح‌ها و توافقی شدن مرحله تحقیقات مقدماتی نشان می‌دهد (زراعت، ۱۳۸۲، ۱۶۱).

تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی کیفری است که بر مبنای آنچه درخواست شاکی برای مطالعه پرونده و دسترسی به مدارک آن منابع به‌ضرورت کشف حقیقت باشد بازپرسی قرار رد درخواست شاکی را صادر می‌کند. اگرچه قبلاً این دیدگاه وجود داشت که چون متهم حق مطالعه پرونده کیفری را ندارد شاکی نیز چنین حقی ندارد (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۴، ۱۳۸). ولی با توجه به قانون آئین دادرسی کیفری یکسانی حقوق شاکی و متهم در دسترسی به پرونده سیاست قانون‌گذار قرار گرفته است و به‌طور مستدل و مستند عدم دسترسی مورد تصمیم قضایی قرار می‌گیرد (مهاجری، ۱۳۹۹، ج ۲، ۱۴۳).

۳) قرار عدم دسترسی به پرونده تصمیمی است که به‌موجب آن ممنوعیت دسترسی متهم به تمام یا بعضی از اوراق پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی اعلام می‌شود و این قرار موجب محدود شدن دسترسی متهم به پرونده بوده و محدود کردن شاکی برای دسترسی به برخی اوراق مستلزم صدور قرار عدم دسترسی نخواهد بود، بلکه موجب صدور قرار درخواست شاکی است، قرار عدم دسترسی به پرونده به‌عنوان تصمیم محدودکننده مراجعه متهم به اوراق پرونده، در خصوص مرحله تحقیقات مقدماتی است و تفاوتی نمی‌کند که چه مرجعی متکفل انجام مرحله تحقیقات مقدماتی باشد. در جرائمی که مستقیماً جهت رسیدگی در دادگاه مطرح می‌گردد و در جرائمی که دادگاه عمومی بخش موضوع تحقیقات مقدماتی قرار می‌گیرند نیز قرار عدم دسترسی به پرونده قابلیت صدور دارد. اداره حقوقی قوه قضائیه طی نظریه مشورتی ۷/۹۴//۹۴۵- ۴/۱۵- ۱۳۹۴ در خصوص موضوع اعلام داشته است: «مقررات مذکور در مواد ۱۰۰ و ۱۹۱ قانون آئین دادرسی کیفری» در دادگاه‌ها در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌باید مورد رعایت قرار گیرد. نکته اساسی این است که در ماده ۱۹۱ قانون آئین دادرسی کیفری به کلمه بازپرس اشاره کرده است و قید نموده که بازپرس می‌تواند چنین قرار را صادر کند.

۴) در تبصره یک ماده ۱۰۰ و ماده ۱۹۱ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مشخص نشده است که مدت عدم دسترسی شاکی یا متهم به اوراق پرونده تا چه زمانی است؟ پاسخ این است که وقتی اصل صدور قرار از اختیارات بازپرس است، بدیهی است مدت عدم دسترسی نیز به‌اختیار اوست

مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (ساقیان، ۱۳۹۳، ۱۰۸).

اما مواد ۱۰۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ قانون آئین دادرسی کیفری، حرکت قانون‌گذار را به سمت تساوی سلاح‌ها و توافعی شدن مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی نشان می‌دهد دلیل این تساوی نیز تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی کیفری است که بر مبنای آنچه درخواست شاکی برای مطالعه پرونده و دسترسی به مدارک آن منافی با ضرورت کشف حقیقت باشد، بازپرس قرار رد درخواست شاکی را صادر می‌کند که شاکی ظرف ۳ روز می‌تواند به آن اعتراض کند با توجه به قانون آئین دادرسی کیفری یکسانی حقوق شاکی و متهم در دسترسی به پرونده سیاست قانون‌گذار قرار گرفته است.

۶) انتقادی که به مواد ۳۵۱ و ۱۹۱ قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ وارد می‌باشد این است که قانون‌گذار این اختیار را به مقام قضایی داده که در صورتی که مطالعه یا دسترسی به اوراق پرونده را منافی با کشف حقیقت بداند، قرار رد درخواست مطالعه را صادر کند که این امر باعث می‌شود که قضات سلیقه‌ای عمل کنند و دسترسی و مطالعه هر پرونده‌ای را که می‌خواهند، با بهانه منافی بودن با کشف حقیقت، ممنوع کنند و هم‌چنین تبصره ۲ ماده مذکور و ماده ۱۹۱ به صورت کلی ارائه اسناد و مدارک طبقه‌بندی‌شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی را به شاکی و متهم یا وکیل آن‌ها ممنوع اعلام کرده است. این در حالی می‌باشد که تعریف خاصی از اسناد طبقه‌بندی شده در قانون وجود ندارد و هر سندی می‌تواند در این قالب قرار

استدلال دیگر اینکه جهت توجیه قرار عدم دسترسی یا رد درخواست شاکی منحصراً امنیتی یا منافی عفت بودن جرم موضوع رسیدگی و در سایر جرائم منافات داشتن دسترسی با ضرورت کشف حقیقت است، بنابراین در هر زمان که تنافی از بین برود، موجب دسترسی شاکی یا متهم به پرونده خواهد بود نتیجه اینکه بازپرس نمی‌تواند غایتی غیر از کشف حقیقت برای دسترسی به پرونده قرار دهد.

۵) پیش‌بینی قرار عدم دسترسی به پرونده در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ را باید نشانه حرکت قانون‌گذار از سیستم تفتیشی به سوی سیستم اتهامی دانست. در سیستم رسیدگی تفتیشی به سوی سیستم اتهامی دانست. در رسیدگی تفتیشی، اصل عدم امکان دسترسی متهم به دلایل و تحقیقات انجام‌شده به منظور جلوگیری از بی‌اثر شدن تحقیقات مقدماتی است اما پس از آنکه دلایل و مدارک و تحقیقات کامل شد با صدور کیفرخواست و طرح پرونده در دادگاه هر یک از طرفین از جمله متهم می‌تواند با مراجعه به دفتر دادگاه پرونده را مطالعه کند؛ یعنی در سیستم اتهامی که مبنای رسیدگی دادگاه است حق طرفین در مطالعه پرونده یکسان است. در قانون آئین دادرسی کیفری اصل بر آن دانسته شده که متهم حق دارد تمام یا برخی از مدارک پرونده را در مرحله تحقیقات مقدماتی ملاحظه کند و چنانچه بازپرس بخواهد این حق را از او سلب کند باید قرار عدم دسترسی صادر کند و متهم نیز می‌تواند به این تصمیم بازپرس اعتراض کند اصل غیر توافعی بودن تحقیقات مقدماتی به‌عنوان یکی از اصول آئین دادرسی کیفری ایران مطرح و

تحقیقات معنی پایان تحقیقات نیست؛ بلکه منظور تا زمان تکمیل تحقیقات پیش از اخذ آخرین دفاع است.

## ۵-۲-۲. ضمانت اجرای حق دسترسی به محتویات پرونده در حقوق کیفری ایران

واقعیت امر این است که قانون‌گذار در خصوص ضمانت اجرای حق دسترسی به محتویات پرونده در حقوق کیفری ایران، سکوت کرده است. البته عدم رعایت حق تفهیم حق دسترسی به وکیل و حقوق اساسی و قانونی متهم یا سلب آن از وی، به تجویز مقرر در تبصره ۱ ماده ۱۹۰ اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴، صرفاً مستلزم مجازات انتظامی درجه سه و هشت مقرر شده است که با توجه به اهمیت جرائم مزبور و مجازات سنگین و مؤثر مترتب بر آن‌ها و پیامدهای فراگیر رسیدگی کیفری نسبت به آن‌ها فاقد هرگونه تناسب و انطباقی نسبت به آن می‌باشد که شایسته تجدیدنظر خواهد بود (ضرغامی، ۱۳۹۵، ۷۶).

محکومیت انتظامی، مورد حکم واقع شدن از طریق دادگاه انتظامی است، در این نوع محکومیت، مرجع انتظامی حکم را صادر می‌کند. مجازات انتظامی درجه سه شامل کسر حقوق ماهانه تا یک‌سوم از یک ماه تا شش ماه است و مجازات درجه هشت، شامل انفصال موقت از یک ماه تا شش ماه است. با توجه به اینکه، یکی از این عناصر دادرسی عادلانه، حق دسترسی به اوراق پرونده است. لازم است برای تضمین این حق ضمانت اجرا در نظر گرفته شود.

## ۵-۳. حق وکیل و متهم در دسترسی به محتویات پرونده و ضمانت اجرایی آن در حقوق انگلستان

گیرد، هم‌چنین جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی طیف وسیعی از جرائم را شامل می‌شود که این خود دست قاضی را باز گذارده تا بتواند اکثر جرائم را در قالب این تبصره قرار دهد و دسترسی به اوراق پرونده را ممنوع کند، بنابراین تبصره مذکور فساد آور بوده و زمینه سوءاستفاده قضات را از قانون فراهم آورده است که باید به‌نحوی که تأمین‌کننده حق دفاع طرفین دعوی باشد توسط قانون‌گذار تغییر داده شود (سفیدپری، ۱۳۹۳، ۴۱).

یکی دیگر از ابعاد قرار عدم دسترسی به پرونده که زوایای مبهمی دارد، محدوده زمانی آن است. در همین راستا از اداره کل حقوقی قوه قضائیه سؤال شده است: آیا قرار عدم دسترسی را که در ماده ۱۹۱ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ذکر شده است، می‌توان تا پایان تحقیقات در دادسرا صادر نمود؟ یا این که باید مقید به زمان معین مثلاً یک هفته یا یک ماه باشد؟ این اداره به‌موجب نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۷۷۷ مورخ ۱۰۳/۳۱ / ۱۳۹۴ در پاسخ اعلام داشته است: صرف نظر از این که صدور قرار «عدم دسترسی به اوراق پرونده و مدارک منضم به آن» از ناحیه بازپرس به‌نحوی که در ماده ۱۹۱ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آمده، قابل اعتراض از ناحیه ذی‌نفع می‌باشد، لکن از اطلاق ماده، استنباط می‌گردد که این قرار مقید به زمان محدود نمی‌باشد و تا تکمیل تحقیقات ادامه خواهد داشت. البته به نظر نگارندگان زمانی که بازپرس به جهت اقناع موظف به اخذ آخرین دفاع بوده و باید یکی از قرارهای مذکور در قانون را صادر کند دیگر وجهی برای تنافی اطلاع وکیل یا متهم از محتویات پرونده با کشف حقیقت وجود ندارد. بنابراین منظور اداره حقوقی تا تکمیل

### ۵-۳-۱. حق وکیل و متهم در دسترسی به محتویات پرونده

«در حقوق انگلستان، حضور وکیل مدافع در تحقیقات پلیسی مانعی در راه کشف حقیقت ایجاد نمی‌کند و به‌ویژه آنکه در صورتی که متهم وکیل داشته باشد و در حضور وکیل خود از پاسخ به سؤالات امتناع کند و بدون دلیل سکوت اختیار نماید این سکوت علیه او قرینه‌ای دال بر ارتکاب جرم محسوب می‌شود» (آشوری، ۱۳۸۳، ج ۲، ۱۴۹).

«از این‌روست که قانون‌گذار انگلیسی به کیفیت حضور وکیل در سیر تحقیقات توجه خاصی مبذول داشته و ارتباط متهم با وکیلش را با هر گونه وسیله ارتباطی امکان‌پذیر دانسته است. طبق قانون پلیس و ادله کیفری مصوب ۱۹۸۴ متهم می‌تواند ملاقات حضوری و محرمانه با وکیل خود داشته باشد و در عین حال شرایط مشاوره تلفنی هم برای وی مهیاست. از طرفی طبق رویه غالب در کشور انگلیس معمولاً ادله و مدارکی که علیه متهم جمع‌آوری شده باید در دسترس وکیل قرار بگیرد تا وی بتواند دفاعیات لازم را به عمل آورد. قانون‌گذار انگلیسی در مورد دسترسی متهم به وکیل از الفاظی چون به‌محض امکان و یا در اسرع وقت استفاده کرده است و این نشان از آن دارد که بدون فوت وقت باید شرایط استفاده از وکیل را به هر شکلی برای متهم فراهم نمود» (امیریان و همکاران، ۱۴۰۱، ۲۱).

«در متون دادرسی کیفری انگلیس در مواد متعددی بر ضرورت ملاقات حضوری و محرمانه متهم با وکیلش قبل از هر بازجویی و یا حین تحقیقات اشاره شده است. در بند (۱) از ماده ۵۸ قانون پلیس و ادله

کیفری بر مشورت حضوری متهم با وکیلش در هر زمان از بازجویی تأکید شده است. از طرفی در قسمت (۱) ۶ از مجموعه C قانون پلیس و ادله کیفری نیز از مشاوره و ارتباط محرمانه با وکیل سخن رفته و بر آن صحه گذارده است» (رینولدس، ۱۹۹۶، ۳۴). قسمت (ل) ۶ در مقام توضیح قسمت (۱) ۶ این‌طور ادامه می‌دهد، «زمانی که متهم جهت اعمال حقوقی‌اش در صدد تماس با وکیلش باشد، مأموران پلیس باید به آن‌ها اجازه چنین ملاقاتی را به صورت محرمانه داده و شرایط این ارتباط محرمانه را هم فراهم آورند» «این ماده در ادامه ارتباط محرمانه با وکیل را در زمره حقوق اساسی متهم قرار می‌دهد. ارتباط زمانی محرمانه است که هیچ شنودی توسط هیچ‌یک از افراد پلیس و یا غیر آن‌ها صورت نپذیرد و البته دیدن و نظارت بر ارتباط از سوی پلیس بلاشکال است و یا اینکه نباید هیچ‌گونه مانع و یا محدودیتی در این خصوص اعمال شود مثلاً نباید برای آن مدت تعیین کرد. از جمله شرایط دیگر اختصاص دادن محلی برای ارتباط وکیل با متهم است بدون اینکه مشکلی و یا مانعی محرمانه بودن ارتباط را زایل کند، بدیهی است ملاقات محرمانه و حضوری متهم با وکیل چیزی فراتر از همراهی وکیل با وی می‌باشد چه آنکه وکیل با راهنمایی‌های خود به موکلش و عمل موکل به آن‌ها، به نوعی دخالتی هرچند غیر مستقیم در طول تحقیقات دارد» (بووستد، ۱۹۹۵، ۵۳) و نمی‌توان حضور وکیل را منفعل‌گونه دانست.

«علی‌رغم وجود مقررات پیش‌بینی شده در خصوص ارتباط بین متهم و وکیل، هیچ الزام قانونی برای پلیس مبنی بر دادن دلایل و مدارک به وکیل متهم

«ملاقات حضوری و محرمانه وکیل با متهم، حق مشاوره تلفنی و مکاتبه‌ای متهم با وکیل تعیینی و یا تسخیری و دسترسی متهم به پرونده اتهامی در بدو هر نوع بازجویی و حین انجام تحقیقات، می‌تواند دفاع وکیل از موکل را یک دفاع تمام‌عیار و کامل سازد و این نشان از توجه قانون‌گذار به رعایت حقوق دفاعی متهم و احترام به حقوق و آزادی‌های فردی است. از طرفی موارد یادشده کیفیت حضور وکیل را در سیر تحقیقات پلیسی بیش از یک حضور ساده نشان می‌دهد چه آن‌که وکیل بعد از دسترسی و بررسی پرونده می‌تواند بر غیر عادلانه بودن انجام تحقیقات اشکال گرفته و از این حیث اعتراض خود را در دادگاه طرح نماید، لذا وکیل در حقوق انگلیس، حق دخالت در انجام تحقیقات توسط پلیس را دارد و حتی می‌تواند در اثنای بازجویی دفاعیات خود را ارائه و یا مانع از ادامه سؤالات تلقینی و یا فریب‌کارانه مقام بازجو شوند» (فریدمن، ۱۹۹۵، ۸۴). در کل قاضی تحقیق باید قبل از هر جلسه از تحقیقات از وکیل متهم دعوت به عمل آورده و پرونده را در اختیار وکیل قرار دهد تا وی پرونده را مطالعه کرده و از دلایلی که جمع‌آوری شده است مطلع شده تا بتواند از موکل خود دفاع کند. البته وکیل می‌تواند از اوراق پرونده هم رونوشت تهیه کند.

### ۵-۳-۲. ضمانت اجرای حق دسترسی وکیل و متهم به محتویات پرونده

«ماده ۵۸ قانون پلیس و ادله‌کیفری در خصوص عواقب و نتایج حاصل از عدم توجه پلیس به حقوق دفاعی متهم خصوصاً داشتن وکیل ساکت است، اما ماده ۷۸ قانون فوق‌الذکر ضمانت اجرای کم‌توجهی پلیس به حقوق دفاعی متهم را بیان می‌کند. در این

وجود ندارد. اما از توجه به اینکه وقتی وکیل متهم در اثنای بازجویی حاضر شده و یا اینکه متهم از ابتدای بازجویی ترجیح می‌دهد که وکیل نداشته باشد ولی بعداً و در اثنای بازجویی درخواست حضور وکیل را می‌نماید. در این دو صورت وکیلی که در اثنای بازجویی حضور می‌یابد وظیفه دارد که بررسی نماید که آیا بازجویی‌هایی که در غیاب او انجام پذیرفته است منصفانه و مطابق با قانون بوده است و یا خیر؟» (اسپراک. جی، ۲۰۰۰، ۴۶). «با توجه به چنین تکلیفی از سوی قانون‌گذار، کمیسیون سلطنتی پیشنهاد داده است که به محض حضور وکیل رونوشتی از ادله و مدارک جمع‌آوری شده و نوارهای صوتی بازجویی از متهم در اختیار وکیل گذارده شود» (مقدسی، ۱۳۸۶، ۱۲۸). «ناگفته پیداست که این پیشنهاد کمیسیون در راستای سهولت در انجام تکلیفی است که قانون‌گذار بر عهده وکیل نهاده است چه آنکه وکیل برای تشخیص منصفانه بودن روند تحقیقات انجام‌شده و قانونمند بودن آن، به ادله و مدارکی که در غیاب وی جمع‌آوری شده است نیاز دارد. لذا پرونده تحقیقات باید در اختیار وکیل قرار بگیرد. از طرفی نباید فراموش کرد که لازمه دفاع صحیح و قانونی از موکل توسط وکیل، تسلط وی بر ادله و مدارک جمع‌آوری شده است. به همین دلیل پرونده اتهامی که علیه متهم جمع‌آوری شده است باید در اختیار وکیل قرار بگیرد» (آنسون، ۱۹۹۴، ۶۷). حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی با حق دسترسی به محتویات پرونده همراه است. مطابق حقوق انگلیس، متهم وکیل وی هفت روز از قبل از جلسه دادگاه حق دسترسی به محتویات پرونده دارند و چنانچه اوراق جدیدی به پرونده اضافه شود، لازم است به آن‌ها اطلاع‌رسانی شود.

ماده آمده در هر فرآیند دادرسی چنانچه دادگاه دریابد که با توجه به کلیه شرایط از جمله شرایطی که دلایل در آن جمع‌آوری شده‌اند، پذیرش ادله اثر نامطلوبی بر عادلانه بودن دادرسی خواهد داشت می‌تواند از قبول ادله‌ای که علیه متهم ارائه شده است خودداری کند» (اسپراک، ۲۰۰۰، ۵۰). «این ماده در واقع در جهت گسترش اختیارات دادگاه‌ها در بی‌اعتبار ساختن ادله وضع شده است و سه عامل در تصمیم دادگاه به غیر معتبر ساختن ادله تأثیر دارد: ۱- سوءنیت پلیس ۲- رفتار ناقض قانون که می‌تواند در قالب نقض قانون پلیس و ادله کیفری باشد ۳- اثری که چنین رفتاری بر نتیجه پرونده خواهد گذاشت که از میان این سه عامل بیشتر عامل دوم مورد استناد دادگاه‌ها در بی‌اعتبار ساختن دلایل علیه متهم به کار می‌رود به‌عنوان مثال همان‌طور که قبلاً گفته شد در پرونده ساموئل پلیس امکان حضور وکیل مدافع متهم را در تحقیقات پلیس نداده بود که دادگاه رفتار پلیس را ناقض ماده ۵۸ دانسته و حکم به بی‌اعتباری ادله جمع‌آوری شده علیه متهم صادر کرد. از نظر دادگاه‌های تجدیدنظر هم حق دسترسی به وکیل از مهم‌ترین حقوق شهروندان بوده و اگر قاضی قانع شود که چنین حقی از متهم سلب شده است باید حکم به بی‌اعتباری ادله را صادر نماید. نکته اساسی که اینجا باید مورد تذکر قرار گیرد این است که چه قانونی، قانون اساسی و مهم محسوب می‌شود که نقض آن از سوی پلیس، بی‌اعتباری ادله را به‌دنبال دارد؟ در پاسخ به این سؤال باید به رویه قضایی انگلیس رجوع کرد که در پرونده‌های متعددی بر این قوانین تأکید شده است. هرچند که در این پرونده‌ها به‌طور صریح ذکر نشده که چه قوانینی مهم اساسی هستند لکن تلویحاً می‌توان نتیجه گرفت که

عمده پرونده‌هایی که بر مبنای ماده ۷۸ حکم بر بی‌اعتباری ادله جمع‌آوری شده صادر شده به نقض دو مقرر قانونی مربوط می‌شود: ۱- نقض مقررات راجع به حق دسترسی به وکیل مندرج در ماده ۵۸ قانون پلیس و ادله کیفری ۲- نقض مقررات مجموعه قواعد رفتاری راجع به چگونگی ثبت بازجویی و ضرورت رؤیت و تأیید صورت جلسات بازجویی توسط متهم» (استون، ۲۰۰۰، ۱۶۳).

«البته نتایج رفتار ناقض قانون توسط پلیس نیز در تصمیم‌گیری دادگاه هم مؤثر است مثلاً در پرونده آلادیس، وی متهم به ارتکاب جرم سرقت شده و در دادگاه محکوم شد. لکن او در تجدیدنظر خواهی استدلال کرد که او زمانی به جرم مورد نظر اعتراف کرده است که به اشتباه از حق دسترسی به وکیل صرف‌نظر کرده است و لذا به دلیل عدم حضور وکیل باید اعتراف وی نادیده گرفته شود. اما دادگاه تجدیدنظر استدلال کرد که هرچند در زمان اعتراف و انجام بازجویی ماده ۵۸ رعایت نشده است؛ لکن اقرار متهم معتبر است زیرا در زمان بازجویی، متهم از حق سکوت خود آگاهی داشته و وی می‌توانسته است که سکوت کند و حضور یا عدم حضور وکیل هم تأثیری بر اعتراف وی نداشته است» (مچم، ۲۰۰۵، ۷۳).

«در حقوق انگلیس عدم توجه پلیس به حقوق دفاعی متهم از جمله عدم آگاه ساختن متهم از داشتن وکیل و یا ممانعت از حضور وکیل در بازجویی‌ها، عدم دسترسی به محتویات پرونده و یا تأخیر اضافی و خارج از محدوده‌های زمانی پیش‌گفته در خصوص جلوگیری از حضور وکیل و ... می‌تواند زمینه بی‌اعتباری ادله جمع‌آوری شده را از سوی دادگاه فراهم آورد و دادگاه حکم بر بی‌اعتباری ادله

آن‌ها از آن جهت جالب به نظر می‌رسد که یکی دارای نظام اتهامی انگلیس و دیگری نظام مختلط را در دادرسی کیفری خود حکم‌فرما ساخته است. ایران حال باید دید که دو رویکرد متفاوت نسبت به دادرسی کیفری با مسئله وکالت از متهم در طول تحقیقات با توجه به اینکه این حق متهم ریشه در حقوق طبیعی و حق دفاع داشته و لذا عناصر زمان و مکان نباید بر آن تأثیر بگذارند چگونه مورد پذیرش قرار گرفته و نظام‌های دادرسی چگونه علیرغم وجود محدودیت‌هایی با این مسئله کنار آمده و بنا به اقتضات خود کیفیت و چگونگی رعایت این حق را در قواعد خود چگونه به انجام رسانده‌اند.

در انگلیس با توجه به اینکه با توجه به اتهامی بودن سیستم آن، بیشتر وقت دادرسی در مرحله تحقیقات پلیسی صرف می‌شود این مرحله از اهمیت فراوانی برخوردار است. قانون‌گذار انگلیسی با پذیرش حضور وکیل در سیر تحقیقات پلیسی سعی داشته که تمام تحقیقات در حضور وکیل انجام شود. وکیل می‌تواند در طول تحقیقات به پرونده دسترسی داشته باشد و هیچ محدودیتی از این حیث برای او وجود ندارد و وی می‌تواند انجام تحقیقات خاص را از پلیس درخواست کند.

در انگلیس دادگاه هر لحظه که تشخیص دهد کوچک‌ترین خدشه به حق دسترسی وکیل و متهم به محتویات پرونده وارد شده و یا محدودیت‌هایی وارد برای این حق ایجاد شده، دادگاه نه تنها پلیس خاطی را مجازات می‌کند؛ بلکه تمام تحقیقات انجام‌شده را باطل اعلام کرده و یا دستورهای مجدد به انجام آن‌ها خواهد داد و یا به‌طور کلی متهم را آزاد خواهد کرد.

می‌دهد و حتی آزاد شدن متهم را به‌دنبال داشته باشد و این امر جدایی از مجازات کیفری و یا انتظامی است که بر پلیس متخلف اعمال می‌شود؛ زیرا گفتیم که پلیس می‌تواند در محدود ساختن حقوق دفاعی متهم سوءنیت داشته باشد و یا نداشته و ناشی از غفلت او باشد که در این موارد در مورد اول مجازات کیفری و در دومی مجازات انتظامی پلیس متخلف را به‌دنبال دارد. البته هرگاه دادگاهی رفتار پلیس را مورد انتقاد قرار دهد به‌خودی‌خود رسیدگی انضباطی آغاز نخواهد شد و اعمال ضمانت اجرایی کمتر از مجازات با مقام‌های پلیس است. در خصوص مقام رسیدگی‌کننده به شکایت از پلیس، نهادی رسمی وجود دارد که متصدی تحقیق نسبت به شکایات علیه پلیس است ولی بازجویان خاصی در اختیار ندارد و همواره ملزم به استفاده از نیروهای پلیس به‌منظور تحقیق از خود پلیس است لذا تصمیم به تعقیب و یا عدم تعقیب از حیث نظری نیازی به بازنگری قضایی دارد که این می‌تواند توسط سرویس تعقیب پادشاهی انجام شود» (جی، ۱۳۸۴، ۸۷). برای آنکه تشخیص شرایط حکم‌فرما شدن استثنا و ممانعت از حق دسترسی به محتویات پرونده، جنبه سلیقه‌ای به خود نگیرد و سوء استفاده‌ای به‌دنبال آن صورت نپذیرد مراجع بالاتر نظیر دادگاه باید بر نحوه اجرای این حق نظارت داشته باشند تا مبادا کوچک‌ترین حقوقی از متهم تضییع شود.

## ۶. نتیجه

از بین کشورها، ایران و انگلیس به عنوان شاهدانی از هر کدام از نظام‌های مختلط و اتهامی دارای دو رویکرد متفاوت نسبت به موضوع وکالت از متهم در طول تحقیقات پلیسی و مقدماتی هستند که تطبیق

## ۸. تضاد منافع

در نگارش این مقاله تضاد منافع وجود ندارد.

در حقوق ایران نیز حق مطالعه پرونده برای متهم و وکیل و دسترسی به آن پذیرفته شده است. ماده ۳۵۱ قانون آئین دادرسی کیفری به حق دسترسی شاکی و متهم به پرونده در مرحله رسیدگی در دادگاه اشاره دارد. این حق اما با محدودیت‌هایی مواجه است. در مقام بیان استثنا، تبصره آن ماده مقرر می‌کند: «دادن تصویر از اسناد طبقه‌بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرائم منافی عفت و جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی ممنوع است». بر همین اساس یکی از این قرارهای صادره از سوی دادسرا قرار عدم دسترسی متهم یا وکیل وی به اسناد و مدارک موجود در پرونده است که در مواردی خاص صادر می‌گردد. اگر بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت مغایر بداند، یا موضوع از جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند. این محدودیت‌ها مغایر دادرسی عادلانه است. امروزه حق دسترسی به اطلاعات یکی از اصول اساسی حکومت‌های دموکراتیک است. از لحاظ تحلیلی خاستگاه این حق بشری، مفاهیم ژرفی است که در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر بدان اشاره شده است. از طرفی در حقوق ایران هیچ ضمانت اجرایی برای حق دسترسی وکیل و متهم به محتویات پرونده تعیین نشده و حتی اگر بازپرس بنا به سلیقه این حق را زایل کند، نه تنها متهم حق هیچ‌گونه اعتراضی ندارد و هیچ ضمانت اجرایی هم وجود ندارد.

## ۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان حاضر به صورت برابر در تهیه این پژوهش مشارکت داشته‌اند.

## منابع

## فارسی

کیفری مصوب ۱۳۹۲»، نشریه پژوهش‌های حقوق کیفری، شماره ۶، ۱۳۹۳.

- سفیدپری، پریسا، «ضرورت اهتمام دستگاه قضا به رعایت حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی با تاکید بر حق دسترسی به پرونده؛ رعایت حقوق متهم؛ تضمین‌کننده عدالت قضایی»، مجله شهر قانون، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۳.

- سلیمانی میمندی، نجمه؛ روح‌الامینی، محمود؛ امینی زاده، محمد، «حقوق دفاعی متهم در جرائم امنیتی (تروریسم) در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی»، نشریه پژوهش ملل، شماره ۵۲، ۱۳۹۹.

- ضرغامی، سیروس، «نقش دادستان در ارتباط با ادله در دادرسی کیفری (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا)»، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۵.

- کرباس‌فروش، قاسم؛ وروایی، اکبر، «مطالعه تطبیقی حقوق دفاعی متهم در مرحله کشف جرم در ایران و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴۱، ۱۳۹۸.

- محمدی‌زاده کرمانی‌نژاد، مجتبی؛ بوستانی فرشته، زینب؛ شکری‌پور، یاسر، «روند حق دسترسی به اوراق پرونده در قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، همایش ملی قانون آئین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد، مراغه، ۱۳۹۴.

- معاونت آموزش قوه قضائیه، پاسخ به سؤالات قضایی مربوط به دادرسی، چاپ اول، تهران، انتشارات قضا، ۱۳۸۴.

- احسان‌پور، سیدرضا؛ قلی‌پور جمنانی، فرامرز، «موانع، چالش‌ها و محدودیت‌های حق دسترسی به پرونده‌های قضایی»، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال یکم، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۸.

- آشوری، محمد، آئین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.

- امیریان، امین؛ یراقی، مهشید، «بررسی تطبیقی جایگاه وکیل در تحقیقات مقدماتی در ایران و انگلستان»، فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل، دوره یکم، شماره ۴، ۱۴۰۱.

- جی.آر. اسپنسر، آئین دادرسی کیفری در انگلیس، ترجمه محمدرضا گودرزی و لیلا مقدادی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۴.

- خالقی، علی، آئین دادرسی کیفری، چاپ سوم، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۳.

- رستمی، رامین؛ چراغی، شهرام؛ موسوی، سارا، «سیاست تقنینی قانون‌گذار ایران در قبال اصل تساوی سلاح در مرحله تحقیقات مقدماتی در قانون جدید آئین دادرسی کیفری با نگرشی بر قانون آئین دادرسی فرانسه»، نشریه قانون یار، شماره ۵، ۱۳۹۷.

- زراعت، عباس، اصول آئین دادرسی کیفری ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۲.

- ساقیان، محمدمهدی، «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آئین دادرسی

- مقدسی، محمدباقر، «رویکرد حقوق بشری به وظایف و اختیارات پلیس در فرآیند کیفری در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶.

- مهاجری، علی، قانون آئین دادرسی کیفری در دادسرا، جلد دوم، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات فکرسازان، ۱۳۹۹.

- میرزاجانی، عباس، «لایحه آئین دادرسی کیفری در آئینه دادرسی عادلانه با نگاهی به اسناد بین‌المللی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۳.

#### لاتین

- Sprack. J, A practical approach to criminal procedure, Eleventh edition, oxford, 2000.

- Stone. R; Textbook on civil liberties and human Rights, Sixth edition, oxford, oxford university press, 2000.

- Reynolds F.M.B (1996). Bowstead & Reynolds on Agency. London: Sweet and Maxwell.

- Bowstead, W (1985). The Law of agency. London: Sweet and Maxwell.